دکتر وحید محمودی در ارزیابی کارنامه یک‌ساله طرح هدفمندی:

توانمندسازی پایدار فقرا، با هدایت یارانه نقدی به سمت ساختارهای تامین اجتماعی

■ فضای سیاسی و اقتصادی عمومی کشور، آمادگی اجرای فاز دوم طرح هدفمندی را ندارد

دولت نباید به مردم آب نبات بدهد، بلکه باید سطح آگاهی و توانمندی مردم را به اندازه‌ای ارتقا دهند که خود مردم بدانند آب‌نبات چیز بدی است و آن را از دولت مطالبه نکنند!

برش‌هایی از مصاحبه

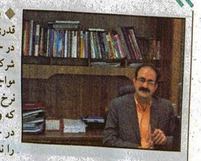

◆ به نظر می‌رسد برای اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی، قدری داریم عجله می‌کنیم. وقتی بسترهای سیاسی آرام در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی آماده نیست، شرکت‌های ایرانی با مشکلات تحریم و مشکلات مالی و... مواجه هستند، بی‌ثباتی در بازار ارز کشور وجود دارد و نرخ تورم هم کمابیش رو به افزایش است، به نظر می‌رسد که وضعیت عمومی اقتصادی و همین‌طور سیاسی کشور، در حال حاضر کشش اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی را ندارد.

◆ باید مراقب باشیم پرداخت یارانه نقدی به خانوارها، جانشین هدف اصلی طرح هدفمندی نشود. هدف اصلی این طرح که منطق علمی قوی هم دارد، عبارت است از تلاش برای تخصیص بهینه منابع اقتصادی و افزایش حضور بخش خصوصی در اقتصاد، با هدف افزایش بهره‌وری در اقتصاد ملی اگر هدف ما کمک به رشد بخش خصوصی باشد، باید بیشتر به دنبال آن باشیم که طعم اقتصاد رقابتی را به مردم بچشانیم، نه اینکه فقط در پی چشاندن طعم یارانه نقدی به مردم باشیم!

◆ لیست درست نیست که دولت جایگاه خود را به عنوان تولیدکننده، انحصاری بنزین و برق و... حفظ کند و در جایگاه یک انحصارگر دست به افزایش قیمت‌ها بزند. اگر به دنبال افزایش بهره‌وری در اقتصاد ملی هستیم، باید به دنبال «آزادسازی قیمت‌ها» باشیم و نه «افزایش قیمت‌ها».

◆ منظور از «آزادسازی قیمت‌ها»، این است که فضای مناسب برای ورود شرکت‌های خصوصی به حوزه‌های مختلف، از جمله تولید بنزین و دیگر انواع انرژی فراهم شود تا با شکل‌گیری یک اقتصاد رقابتی، به سمت شکوفایی بیشتر اقتصاد ملی حرکت کنیم.

■ تهیه و تنظیم: میثم هاشم‌خانی*

ـ آقای دکتر محمودی، با گذشت یک سال از اجرای طرح هدفمندی، به نظر می‌رسد زمان مناسبی برای تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت اجرایی این طرح فرا رسیده است.

به عنوان مقدمه باید عرض کنم که اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، بدون شک یکی از ضرورت‌های اساسی ما بوده و اکثریت اقتصاددانان با کلیت اجرای آن موافقند و دوست دارند این طرح موفق شود، اختلافات کارشناسان مختلف، عموما به شیوه اجرای این طرح مربوط می‌شود.

برای افزایش موفقیت طرح هدفمندی، مهم‌ترین نکته این است که باید هدف اصلی این طرح را که کنیم و نباید بگذاریم پرداخت نقدی به خانوارها، جایگزین هدف اصلی این طرح شود.

ـ هدف اصلی طرح هدفمندی چه بوده است؟

هدف اصلی این طرح که دارای منطق اقتصادی قوی هم هست، هرگز این نبوده که بخواهیم فقط پولی را بین مردم توزیع کنیم. فلسفه هدفمندی کردن یارانه‌ها از منظر علمی، کمک به تخصیص بهینه منابع اقتصادی و علامت‌دهی قیمت‌های نسبی در بازار و حاکم شدن منطق جابه‌جایی منابع بر اساس هزینه فرصت است تا به این ترتیب بتوانیم به انتقال از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد کمک نموده و برای افزایش بهره‌وری اقتصاد کشور از طریق افزایش حضور بخش خصوصی در اقتصاد ملی، زمینه‌سازی کنیم.

علاوه بر این‌ها، دیگر هدف مهم طرح هدفمندی، با کنترل شدن مصرف انرژی در کشور مربوط بود که این مساله هم از ارزش‌های اولیه طرح حاملی نافی می‌شد. ضمن اینکه به دلیل مصرف بیشتر انرژی از سوی دهک‌های پردرآمدتر، شیوه پخش یارانه‌ها برای پایین نگه داشتن قیمت سوخت، توزیع نامعادلانه یارانه‌های مربوطه را به دنبال داشت.

حالا برای رسیدن به این هدف، یعنی آزادسازی اقتصاد و ایجاد زمینه مشارکت بیشتر مردم در اقتصاد کشور، باید قیمت کالاهایی مثل انواع انرژی را آزاد می‌کردیم و طبیعتا برای جبران آثار جانبی ناشی از آن، تصمیم به پرداخت یارانه نقدی برای جبران آثار منفی این سیاست بر قدرت خرید خانوارها گرفته شده است.

یا بین توضیحات باید مراقب باشیم که مقوله پرداخت یارانه نقدی به خانوارها، نباید جانشین هدف اصلی طرح شود. اگر تقسیم یارانه نقدی و پول دادن به مردم در جایگاه هدف اصلی بنشیند، با به سمت وابسته کردن مردم به دولت می‌رویم، یعنی روندی که هیچ توجیه اقتصادی نداشته و برخلاف اهداف توسعه اقتصادی است.

حرکت به سمت افزایش کارآیی اقتصادی؟

یا حرکت به سمت وابسته‌تر شدن مردم به دولت؟

شما حرکت به سمت افزایش کارآیی اقتصادی را، هدف اصلی طرح هدفمندی یارانه‌ها می‌دانید. مصداق حرکت به سمت افزایش کارآیی اقتصادی چیست؟ و مصداق حرکت به سمت وابسته شدن مردم به دولت چیست؟

اگر هدف کمک به رشد بخش خصوصی و افزایش کارآیی در اقتصاد باشد، باید بیشتر به دنبال آن باشیم که طعم «اقتصاد رقابتی» را به مردم بچشانیم. نباید به دنبال چشاندن طعم «یارانه نقدی» به مردم باشیم و فقط به مردم آب‌نبات بدهیم!

نباید خیال کنیم که مشکلات مردم با پرداخت پول حل می‌شود. وظیفه دولت این است که به جای آب‌نبات دادن به مردم، به تدریج سطح آگاهی و توانمندی مردم را به اندازه‌ای ارتقا دهند که خود مردم بدانند آب‌نبات چیز بدی است و آن را از دولت مطالبه نکنند!

ـ یعنی شما معتقدید پرداخت یارانه نقدی اشتباه است؟

شاید پرداخت یارانه نقدی در آغاز اجرای طرح هدفمندی، برای جلب حمایت شهروندان، گریزناپذیر بوده است. در کوتاه‌مدت باید بکوشیم تا کارآیی سیستم فعلی یارانه نقدی را افزایش دهیم. اما در بلندمدت، یعنی مثلا بعد از یک بازه زمانی پنج ساله، باید به سمتی برویم که پرداخت پول نقدی متوقف شود و برنامه‌های مناسب توانمندسازی و خودکفایی شامل و شغلی و مبتنی‌طور طراحی ساختارهای قوی تامین اجتماعی، جانشین آن شود.

ـ در راستای حرکت به سمت اهداف اصلی طرح هدفمندی، چه نکات دیگری باید مورد توجه دولت قرار گیرد؟

نکته دیگر، به لزوم پیشگیری از فربه‌تر شدن دولت مربوط می‌شود. هم‌اکنون دولت بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی است؛ بنابراین برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، لازم است که حتما خود دولت رویه لاغری بگیرد.

همچنین دولت باید برای رسیدن به کاهش مصرف انرژی، در کنار رویکرد اقتصاد خرد و سیاست‌های قیمتی، سیاست‌های غیر قیمتی را هم بطور هموزن در بسته سیاستی خود جای دهد. همچنین باید اقدامات عاجلی برای کمک به تولیدکنندگان و بهبود فضای کسب و کار و اصلاح تکنولوژی تولید صورت گیرد. نباید طوری عمل شود که طرح هدفمندی سود تولیدکننده را تبدیل به اضافه رانت مصرف‌کننده کند. به گونه‌ای که با افزایش قیمت حامل‌های انرژی حاشیه سود تولیدکننده پایین بیاید.

و بالاخره اینکه باید به این سوال پاسخ داده شود که چقدر هدفمند کردن یارانه‌ها موثر بر تعادل یا عدم تعادل در حوزه کلان اقتصادی است و چقدر مدیریت عدم تعادل‌های اقتصادی به توفیق هدفمندی یارانه‌ها می‌انجامد. اقتصاد ایران از عدم تعادل در بازار کار، تراز پرداخت‌ها، منابع و مصارف بانک‌ها، بازار پول، بازار کالاها و خدمات و بازار ارز رنج می‌برد. باید با یک نگاه سیستمی به حل مسائل اقتصادی فکر کنیم و توجه داشته باشیم تشدید عدم تعادل‌های اقتصادی، می‌تواند موجبات شکست طرح هدفمندی را فراهم نماید.

ـ کدام عدم تعادل‌های اقتصادی، به موفقیت طرح هدفمندی لطمه می‌زند؟ ممکن است قدری بیشتر در این زمینه توضیح بدهید؟

برای مثال شاهکس نرخ حقیقی سود بانکی، ناکارآیی و رانت جویی و عدم تعادل انتظاری را تشدید و طرح هدفمندی را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر اگر نرخ سود بانکی متناسب با نرخ تورم تعدیل نشود، با افزایش تقاضا برای وام و شکل‌گیری صف‌های طولانی برای وام بانکی مواجه خواهیم شد که سرانجام گسترش سوء استفاده و رانت‌خواری را به دنبال خواهد داشت. به علاوه، اگر سرگیری تجربه شکست خورده بانک‌های دولتی دارد به نیز تشدیدکننده عدم تعادل‌ها خواهد بود.

بحران کنونی بازار ارز نیز مثال دیگری است که طرح هدفمندی یارانه‌ها را متأثر می‌کند؛ بنابراین باید به تعادل‌های اقتصادی به صورت پویا و نه ایستا توجه داشته باشیم. ممکن است نتایج طرح به صورت ایستا دارای توجیه باشد، ولی وقتی دینامیک و بلندمدت بودن آثار را در نظر می‌گیریم ممکن است به نتایج متناقضی برسیم؛ بنابراین تعادل همراه با تثبیت اولویت دارد.

اهمیت چشاندن طعم اقتصاد رقابتی به شهروندان

ـ بسیار خوب، درادامه گفت‌وگو، اجازه بدهید اول به بحث برنامه‌های کوتاه‌مدت با هدف اصلاح و بهبود سیستم فعلی یارانه نقدی بپردازیم و سپس وارد بحث برنامه‌های بلندمدت برای حذف یارانه نقدی و جایگزینی برنامه‌های اثربخش‌تر بشویم.

شما اشاره کردید که برای متعهد ماندن به هدف اصلی طرح هدفمندی، لازم است طعم اقتصاد رقابتی را به مردم بچشانیم. ممکن است در این زمینه قدری بیشتر توضیح بدهید؟

یک ایراد به طرح هدفمندی یارانه‌ها در طول این یک سال اخیر، این است که ما کمتر به سمت آزادسازی قیمت‌ها حرکت کرده‌ایم و فقط بر افزایش قیمت تمرکز داشته‌ایم.

«آزادسازی قیمت‌ها»، به این معنا است که زمینه برای ورود شرکت‌های مختلف بخش خصوصی فراهم شده و رقابت بین این شرکت‌ها باعث شکل‌گیری قیمت‌های رقابتی شود. این فرآیند قطعا دارای منطق قوی اقتصادی است. مثلا باید موانع ورود بنگاه‌های خصوصی را کاهش دهیم و اجازه دهیم که بخش خصوصی در حوزه‌هایی مثل تولید و توزیع بنزین هم ورود پیدا کند تا فضا رقابتی‌تر شود و با حرکت به سمت یک اقتصاد رقابتی پویا، به سمت شکوفایی بیشتر اقتصاد ملی گام برداریم.

اما با افزایش قیمت‌ها، به این معنا که دولت جایگاه خود را به عنوان یک تولیدکننده انحصاری حفظ کند و تنها به افزایش قیمت بزند، قطعا کمکی به ارتقای بهره‌وری اقتصاد ملی نخواهد کرد.

همانطور که عرض کردم، برای حرکت به سمت «آزادسازی قیمت‌ها» که در راستای «آزادسازی اقتصادی» و حرکت به سمت «اقتصاد رقابتی» قرار دارد، باید موانع ورود بنگاه‌های خصوصی را کاهش دهیم و اجازه بدهیم که بخش خصوصی در حوزه‌هایی مثل تولید و توزیع بنزین و دیگر حامل‌های انرژی هم وارد شود تا بتوانیم به این هدف برسیم. اما در این لحظه، شاهدیم که عامل ورود بخش خصوصی به حوزه تولید کالاهای سابقا یارانه‌ای صورت نگرفته و فقط قیمت‌ها را افزایش داده‌ایم. حرکت به این سمت در واقع حرکت به سمت پرهیز از ایجاد فضای تحمیلی بر مصرف‌کننده است؛ بنابراین در عمل مردم بیش مصرف‌کننده هزینه ناکارآمدی عرضه‌کننده حامل‌های انرژی را نمی‌پردازند.

البته من امیدوارم که اشتباه من باشد. در مراحل بعدی طرح هدفمندی، حرکت به سمت آزادسازی حضور بخش خصوصی در عرضه کالاهای سابقا یارانه‌ای، در دستور کار قرار گیرد.

ـ شما به نکته جالبی اشاره می‌کنید. برای مثال به نظر می‌رسد که در حال حاضر، به دلیل وضعیت انحصاری و فقدان رقابت در تولید و توزیع بنزین و گازوئیل، فقط قیمت‌ها افزایش پیدا کرده است، بدون آنکه انگیزه‌ای برای افزایش بهره‌وری در تولید این قبیل محصولات ایجاد شده باشد.

به نظر شما چه روش‌هایی را می‌توان برای بهبود کارآیی سیستم فعلی پرداخت یارانه نقدی، مطرح نمود؟

طبیعتا بعد از افزایش قیمت کالاهای سابقا یارانه‌ای، منابع مالی جدیدی برای دولت حاصل می‌شود. در مورد نحوه هزینه این منابع مالی بنا هدف کاهش تبعات منفی این طرح بر معیشت مردم، باید به شکل قانونی عمل شود.

در قانون هدفمندی یارانه‌ها ذکر شده است که باید سهم خانوارها از درآمد حاصل از طرح هدفمندی، در سه زمینه هزینه شود: پرداخت نقدی، تامین مسکن اقشار کم‌درآمد و نیز توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد. به علاوه بر مبنای قانون مصوب مجلس، بخشی دیگر از درآمدها هم قرار بود برای حمایت از تولید صرف شود.

الان که یک سال از آغاز طرح گذشته، با وجود فشار هزینه ناشی از افزایش قیمت انرژی و نیز تحریم‌های اقتصادی که هزینه‌های تولیدکنندگان را به شدت افزایش داده، نه فقط پرداخت یارانه نقدی، بلکه برنامه‌ای برای توانمندسازی و تامین مسکن اقشار کم‌درآمد هم در نظر گرفته نشده و فقط و فقط پرداخت یارانه نقدی به مردم در دستور کار قرار داشته است. در نتیجه این دغدغه ایجاد می‌شود که نکند مدیران اجرایی این طرح فقط به دنبال توزیع پول نقد در بین مردم باشند.

ـ بسیار خب، در راستای توانمندسازی اقشار کم‌درآمد، به نظر شما چگونه پروژه‌هایی باید اجرا شود؟

باید پروژه‌هایی عملی تعریف شود که مهارت‌های کاری لازم برای خوداتکایی شغلی و مالی مردم را افزایش دهد. مثل پروژه‌های موفق بسیاری از کشورها مانند مالزی، که علاوه بر ساماندهی تعاونی‌های مختلف، به گروه‌های کم‌درآمد خود شیوه‌های حضور موفق در عرصه تولید را آموزش داده است.

باید توجه کنیم که «فقیر» قدرت است که «هزینه فرصت» او متمایل به سمت صفر است. طبعا هر چه به این فرد یارانه نقدی بدهیم، هزینه فرصت او از اهمیت مضاعفی برخوردار شده است. اگر ما خردمندانه‌تر سیاست‌های بانکی و انرژی خود را مدیریت کنیم، تورم کاهش می‌یابد و قدرت خرید یارانه‌های نقدی هم حفظ می‌شود که در دو مساله به همراهی بیشتر مردم با این طرح و موفقیت بیشتر مراحل بعد طرح هدفمندی کمک می‌کند.

ـ شما به لزوم ایجاد بسترهای مناسب برای مراحل بعدی طرح هدفمندی اشاره کردید. با توجه به اینکه خیرهایی مبنی بر آغاز فاز دوم طرح هدفمندی ظرف سه ماه آینده به گوش می‌رسند، آیا شرایط لعلی را برای اجرای فاز دوم این طرح مناسب می‌دانید؟

یکی از نکاتی که برای موفقیت بهتر طرح هدفمندی باید مورد توجه قرار گیرد، عدم تعجیل در اجرای فاز بعدی طرح است. ظاهرا قدری عجله برای اجرای فاز دوم طرح هدفمندی و افزایش جمعیت قیمت‌ها وجود دارد. سوال این است که آیا در حال حاضر، وضعیت عمومی اقتصادی و همین‌طور سیاسی کشور، کشش اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی را دارد؟

به نظر می‌رسد قدری داریم عجله می‌کنیم، وقتی بسترهای سیاسی آرام در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی آماده نیست، شرکت‌های ایرانی با مشکلات تحریم و مشکلات مالی و آمالهم مواجهند، بی‌ثباتی در بازار ارز کشور وجود دارد و نرخ تورم هم کمابیش رو به افزایش است، در مجموع اقتصاد کشور آماده اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی نیست. باید قدری صبر کنیم و به طور خاص سعی کنیم با مدیریت مناسب نقدینگی، نیست تورم کوفته شود که اگر بتوانیم در حدود ۱۵ درصد، مرحله دوم را اجرا کنیم.

نکاتی برای اصلاح و بهبود سیستم فعلی پرداخت یارانه نقدی

ـ آقای دکتر، اگر موافق باشید، قدری هم به طور ویژه به مسائل مرتبط با پرداخت یارانه نقدی به خانوارها بپردازیم که در زمینه بهبود سیستم فعلی پرداخت یارانه نقدی، پیشنهادات مختلفی مطرح می‌شود؟

برای مثال با توجه به آنکه بخش بزرگی از خانوارهای فقیر و آسیب‌پذیر کشور دارای سرپرست معتاد به مواد مخدر بوده یا سرپرستی دارند که فاقد حداقل‌های صلاحیت برای مدیریت مالی خانوار است، ممکن است پرداخت تمام یارانه نقدی به سرپرست خانوار تصمیم صحیحی نباشد؛ بنابراین برخی از کارشناسان این پیشنهاد را مطرح می‌کنند که شاید بهتر باشد نیمی از سهم هر خانوار از یارانه نقدی به پدر و نیمی به مادر پرداخت شود.

نظر شما در این زمینه چیست؟

بنده هم، هم نظر هستم. نباید کل مبلغ یارانه به سرپرست معتاد داده شود، اما در عین حال نمی‌شود فرد معتاد را به کلی از دریافت یارانه نقدی محروم کنیم.

ـ فکر می‌کنید چه نکات دیگری باید برای بهبود کارآیی سیستم پرداخت یارانه نقدی، مورد توجه قرار گیرد؟

یک نکته مهم دیگر، بنه پایش منظم اطلاعات دریافت‌کنندگان یارانه نقدی مربوط می‌شود. الان واضح است که خیلی‌ها یارانه نمی‌گرفتند و در عین حال مجموع دریافت‌کنندگان یارانه، اندکی کمتر از کل جمعیت کشور است. من قول می‌دهم اگر افرادی که یارانه نمی‌گیرند را تخمین بزنیم و با جمعیت یارانه‌بگیر جمع کنیم، به احتمال فراوان بالای ۸۰ میلیون نفر می‌شوند!

ـ علت این مساله چیست؟

طبیعتا علت این است که افرادی هستند که سال‌ها پیش مرده‌اند! ما هنوز شناسنامه‌های‌شان باطل نشده و برای دریافت یارانه نقدی مربوط می‌شود. الان واضح است که افرادی هستند که سال‌ها یارانه نقدی شده‌اند که وجود خارجی ندارند. یا کسانی هستند که در خارج از کشور حضور دارند اما در داخل کشور یارانه می‌گیرند. به هر حال این مساله نیازمند توجه و برنامه‌ریزی جدی است.

ـ آقای دکتر، یکی دیگر از مطالبی که در راستای بهبود سیستم یارانه نقدی مطرح است، به حذف حداقل افراد پردرآمد از لیست دریافت‌کنندگان یارانه نقدی، از همان ابتدا هم در چارچوب برنامه خوشبختی و دادن‌ها در اختیارها، مورد توجه بود که به دلیل اعتراضات مردم، این برنامه به یک متوقف شد. اکنون اگر مجددا تصمیم به حذف دو دهک پردرآمدتر وجود داشته باشد، به نظر شما چه مکانیزمی باید مورد استفاده قرار گیرد که مجددا با مخالفت افکار عمومی مواجه نشود؟

اگر تصمیم به حذف یارانه نقدی خانوارهای پردرآمد باشد، قطعا باید از سازوکار هوشمندانه و دقیقی استفاده شود. برای طراحی یک سازوکار مناسب، باید توجه کنیم که شیوه فعلی پرداخت یارانه، به یکی هست که دهک‌های درآمدی بالا به دلیل دسترسی مناسب به اینترنت و شبکه بانکی و امثالهم، تقریبا هیچ هزینه مبادله جانبی برای دریافت یارانه نمی‌پردازند.

البته درست است که اینترنی کردن فرآیند پرداخت یارانه نقدی باعث کاهش هزینه‌های اجرایی طرح شده، اما به هر حال این شیوه باعث شده است هزینه مبادله، به گروه‌های کم‌درآمد خود شیوه‌های حضور موفق در عرصه تولید را آموزش داده است.

ـ شما به نکته جالبی اشاره می‌کنید. برای مثال به نظر می‌رسد که در حال حاضر، به دلیل وضعیت انحصاری و فقدان رقابت در تولید و توزیع بنزین و گازوئیل، فقط قیمت‌ها افزایش پیدا کرده است، بدون آنکه انگیزه‌ای برای افزایش بهره‌وری در تولید این قبیل محصولات ایجاد شده باشد.

به نظر شما چه روش‌هایی را می‌توان برای بهبود کارآیی سیستم فعلی پرداخت یارانه نقدی، مطرح نمود؟

طبیعتا بعد از افزایش قیمت کالاهای سابقا یارانه‌ای، منابع مالی جدیدی برای دولت حاصل می‌شود. در مورد نحوه هزینه این منابع مالی بنا هدف کاهش تبعات منفی این طرح بر معیشت مردم، باید به شکل قانونی عمل شود.

در قانون هدفمندی یارانه‌ها ذکر شده است که باید سهم خانوارها از درآمد حاصل از طرح هدفمندی، در سه زمینه هزینه شود: پرداخت نقدی، تامین مسکن اقشار کم‌درآمد و نیز توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد. به علاوه بر مبنای قانون مصوب مجلس، بخشی دیگر از درآمدها هم قرار بود برای حمایت از تولید صرف شود.

الان که یک سال از آغاز طرح گذشته، با وجود فشار هزینه ناشی از افزایش قیمت انرژی و نیز تحریم‌های اقتصادی که هزینه‌های تولیدکنندگان را به شدت افزایش داده، نه فقط پرداخت یارانه نقدی، بلکه برنامه‌ای برای توانمندسازی و تامین مسکن اقشار کم‌درآمد هم در نظر گرفته نشده و فقط و فقط پرداخت یارانه نقدی به مردم در دستور کار قرار داشته است. در نتیجه این دغدغه ایجاد می‌شود که نکند مدیران اجرایی این طرح فقط به دنبال توزیع پول نقد در بین مردم باشند.

ـ بسیار خب، در راستای توانمندسازی اقشار کم‌درآمد، به نظر شما چگونه پروژه‌هایی باید اجرا شود؟

باید پروژه‌هایی عملی تعریف شود که مهارت‌های کاری لازم برای خوداتکایی شغلی و مالی مردم را افزایش دهد. مثل پروژه‌های موفق بسیاری از کشورها مانند مالزی، که علاوه بر ساماندهی تعاونی‌های وزارتخانه‌های تعاون و بازرگانی را نیز در دولت بیش از ۶۰ مقاله علمی ـ پژوهشی در نشریات داخلی و بین‌المللی را در کارنامه خود دارد که موضع اکثریت آنها نظریات توانمندسازی فقرا، توسعه انسان‌محور، متدولوژی تحلیل فقر و نابرابری و نیز توزیع درآمد بوده است.

دکتر محمودی همچنین مدیریت فعالیت‌های پژوهشی در دانشگاه Essex انگلستان دریافت کرده و بیش از ۶۰ مقاله علمی ـ پژوهشی در نشریات داخلی و بین‌المللی را در کارنامه خود دارد که موضع اکثریت آنها نظریات توانمندسازی فقرا، توسعه انسان‌محور، متدولوژی تحلیل فقر و نابرابری و نیز توزیع درآمد بوده است.

دکتر محمودی همچنین مدیریت فعالیت‌های پژوهشی در وزارتخانه‌های تعاون و بازرگانی را نیز در دولت پیش تجربه کرده، هر چند که در سال‌های اخیر عمدتا به تمرکز بر فعالیت‌های آکادمیک و پژوهشی پرداخته است. وی همانگون گذشته مدت کوتاهی تدریس در دانشگاه کالیفرنیا را نیز تجربه کرده است.

دکتر وحید محمودی در یک نگاه:

راهکارهای فقرزدایی و توانمندسازی فقرا، دغدغه کلیدی فعالیت‌های پژوهشی دکتر وحید محمودی در ده سال اخیر بوده است. این عضو هیات علمی دانشگاه تهران و عضو پژوهشکده «انجمن بین‌المللی قابلیت و توسعه انسانی» دانشگاه هاروارد، دکترای اقتصاد خود را با گرایش رفاه اجتماعی، فقر و توزیع درآمد دریافت کرده و پژوهش‌های متعددی در زمینه فقر، توزیع درآمد، توانمندسازی فقرا و نابرابری و توزیع درآمد را در کارنامه خود دارد. اتفاقا زمانی که من در دانشگاه کالیفرنیا تدریس می‌کردم سرکوچه ما سه تا بچه بنزین وجود داشت که متعلق به سه شرکت خصوصی مختلف بود و قیمت‌هایشان هم روز برابر قیمت‌های جهانی فقط تغییر می‌کرد و رقابت نزدیک این شرکت‌ها، این اطمینان را برای مصرف‌کنندگان ایجاد می‌کرد که قیمت‌ها تا حدممکن رقابتی بوده و حاشیه سودها منطقی و منصفانه هستند.

توانمندسازی خانوارها؛ کمک به بهبود پایدار وضعیت خانوارهای کم‌درآمد

ـ از توضیحات فرمایشی شما در مورد لزوم توجه به رفع موانع فعالیت بخش خصوصی، متشکرم، اما به هر حال پرداخت یارانه نقدی به خانوارها، دستکم در حال حاضر، بخش مهمی از طرح هدفمندی محسوب می‌شود.

به نظر شما چه روش‌هایی را می‌توان برای بهبود کارآیی سیستم فعلی پرداخت یارانه نقدی، مطرح نمود؟

ـ شما به لزوم ایجاد بسترهای مناسب برای مراحل بعدی طرح هدفمندی اشاره کردید. با توجه به اینکه خیرهایی مبنی بر آغاز فاز دوم طرح هدفمندی ظرف سه ماه آینده به گوش می‌رسند، آیا شرایط لعلی را برای اجرای فاز دوم این طرح مناسب می‌دانید؟

ـ آقای دکتر، یکی دیگر از مطالبی که در راستای بهبود سیستم یارانه نقدی مطرح است، به حذف حداقل افراد پردرآمد از لیست دریافت‌کنندگان یارانه نقدی، از همان ابتدا هم در چارچوب برنامه خوشبختی و دادن‌ها در اختیارها، مورد توجه بود که به دلیل اعتراضات مردم، این برنامه به یک متوقف شد. اکنون اگر مجددا تصمیم به حذف دو دهک پردرآمدتر وجود داشته باشد، به نظر شما چه مکانیزمی باید مورد استفاده قرار گیرد که مجددا با مخالفت افکار عمومی مواجه نشود؟

ـ شما به نکته جالبی اشاره می‌کنید. برای مثال به نظر می‌رسد که در حال حاضر، به دلیل وضعیت انحصاری و فقدان رقابت در تولید و توزیع بنزین و گازوئیل، فقط قیمت‌ها افزایش پیدا کرده است، بدون آنکه انگیزه‌ای برای افزایش بهره‌وری در تولید این قبیل محصولات ایجاد شده باشد.

به نظر شما چه روش‌هایی را می‌توان برای بهبود کارآیی سیستم فعلی پرداخت یارانه نقدی، مطرح نمود؟

ـ در زمینه اصلاح سیستم پرداخت یارانه نقدی، یکی دیگر از نکات مطرح، به تاثیر آن بر تشویق احتمالی رشد جمعیت در میان گروه‌های بسیار کم‌درآمد مربوط می‌شود.

شما هم معتقدید که روش فعلی، یعنی پرداخت یارانه به همه افراد از بدو تولد، بر تشویق خانوارهای بسیار فقیر به افزایش تعداد فرزندان تاثیرگذار است؟

ـ در زمینه پرداخت نقدی، تامین مسکن اقشار کم‌درآمد، بسترسازی برای توانمندسازی پایدار و خودکفایی معیشتی گروه‌های کم‌درآمد و همین‌طور برای حمایت از تولید کنندگان صرف شود. الان به یک سال از اجرای این طرح می‌گذرد، متاسفانه فقط و فقط مورد اول؛ یعنی پرداخت یارانه نقدی به مردم انجام شده است.

برش‌هایی از مصاحبه

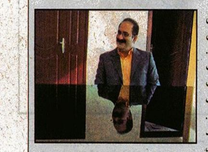

◆ یکی از مهم‌ترین اصلاحاتی که در کوتاه‌مدت برای سیستم یارانه نقدی باید مدنظر قرار گیرد، به پایش دقیق اطلاعات دریافت‌کنندگان یارانه نقدی مربوط می‌شود. بسیاری از افرادی - که عموما هم در مناطق به شدت محروم کشور ساکن هستند- هنوز یارانه نقدی دریافت نکرده‌اند، در حالی که جمعیتی که رسما یارانه به حساب آنها واریز می‌شود، تقریبا برابر با جمعیت کل کشور است. به نظر می‌رسد برخی افراد یارانه نقدی دریافت می‌کنند که وجود خارجی ندارند، مثلا افرادی که فوت کرده‌اند، ولی شناسنامه آنها باطل نشده است.

◆ شیوه فعلی پرداخت یارانه نقدی، افزایش تعداد فرزندان در خانوارهای شدیدا فقیر را به دنبال خواهد داشت. برای جلوگیری از این اتفاق، می‌توانیم بگوییم همه افرادی که الان یارانه می‌گیرند، در سال آینده هم یارانه دریافت کنند، اما برای افرادی که از سال آینده متولد می‌شوند، پرداخت یارانه به آنها مشروط بر آن باشد که فرزند سوم به بعد نباشند.

◆ مهم‌ترین اصلاح سیستم یارانه نقدی در بلندمدت، این است که مبلغ یارانه نقدی پرداختی به مردم ثابت بماند و منابع مالی جدیدی که بر اثر افزایش مجدد قیمت‌ها به دست می‌آید را، فقط و فقط برای گسترش تامین اجتماعی و همین‌طور برنامه‌های مختلف با هدف توانمندسازی فقرا اختصاص دهیم.

◆ براساس قانون هدفمندی یارانه‌ها، باید درآمدهای حاصل از افزایش قیمت کالاهای سابقا یارانه‌ای، در زمینه پرداخت نقدی، تامین مسکن اقشار کم‌درآمد، بسترسازی برای توانمندسازی پایدار و خودکفایی معیشتی گروه‌های کم‌درآمد و همین‌طور برای حمایت از تولید کنندگان صرف شود. الان که یک سال از اجرای این طرح می‌گذرد، متاسفانه فقط و فقط مورد اول؛ یعنی پرداخت یارانه نقدی به مردم انجام شده است.

ـ با توجه به اینکه در حال حاضر یک سال متوالی یارانه نقدی به همه پرداخت شده و حذف این پرداخت نقدی بسیار مشکل است، آیا شما پیگیری چنین برنامه‌هایی را امکان‌پذیر می‌دانید؟

بسیار بهتر است اگر دولت به تدریج به این سمت برود که میزان یارانه نقدی پرداختی به مردم را ثابت نگه دارد و متابع مالی جدیدی که بر اثر افزایش مجدد قیمت‌ها به دست می‌آورد را، برای گسترش تامین اجتماعی و توانمندسازی صرف کند. باید توجه کنیم که هم گسترش تامین اجتماعی و هم توانمندسازی، دیگر امر متن مصوب مجلس برای قانون هدفمندی یارانه‌ها دگر شده‌اند.

طبیعتا در صورت اجرای چنین رویه‌ای، بعد از چهار یا پنج سال، سهم برنامه‌های توانمندسازی و همین‌طور تامین اجتماعی توسعه می‌یابد و سهم یارانه نقدی کم می‌شود.

ـ تعریف شما از تامین اجتماعی چیست؟ برای مثال آیا مصوبه اخیر مجلس در مورد اختصاص بخشی از درآمدهای حاصل از طرح هدفمندی یارانه‌ها برای پوشش فراگیر بیمه یکپارچه را، در راستای گسترش نظام تامین اجتماعی ارزیابی می‌کنید؟

بله. مصوبه مجلس در زمینه بیمه یکپارچه فراگیر، می‌تواند در همین راستا قلمداد شود.

ضمنا برنامه جامع تامین اجتماعی که هم شامل بیمه‌های اجتماعی و هم حمایت‌های اجتماعی می‌شود، پوشش‌دهنده مجموعه‌ای از حمایت‌های درمانی و سلامت، بازنشستگی و از کارافتادگی و حمایت‌های مربوط به بیکاری است و به علاوه برنامه‌های توانمندسازی را هم شامل می‌شود.

هدف از یک ساختار جامع تامین اجتماعی، آن است که مردم در پرتو آن احساس آرامش کنند و هراس از اتفاقات نامناسب معیشتی و سلامت در آینده، به حداقل برسد.

ـ آقای دکتر محمودی، از وقتی که برای این مصاحبه اختصاص دادید، صمیمانه متشکرم. در پایان اگر نکته‌ای را به عنوان مطلب پایانی مدنظر دارید، در خدمت شما هستم.

اگر ما بخواهیم به سمت یک جامعه رفاهی حرکت کنیم، باید به سمت برابری فرصت‌ها برویم و این برابری فرصت‌ها، خودش بسترهای ایجاد عدالت را فراهم خواهد کرد، ضمن آنکه هم عدالت، هم عزت و منزلت انسانی و هم کارآیی اقتصادی را تامین خواهد نمود.

اگر این نکته در مدیریت اجرایی طرح هدفمندی یارانه‌ها مدنظر قرار گیرد، آسیب‌های مربوط به وابستگی‌ها به دولت، استمرار پیدا نخواهد کرد و می‌توانیم با برنامه‌های منطقی و منسجم، به سمتی برویم که ظرف چهار تا پنج سال آینده، بخش عمده درآمدهای حاصل از طرح هدفمندی برای پروژه‌هایی در راستای توانمندسازی پایدار شهروندان گسیل مصرف شود.

M.hashemkhany@Gmail.com ■

شکست یا توفیق؟

چالش‌های پیش‌روی طرح هدفمندی یارانه‌ها

■ دکتر حسین عباسی*
■ منبع: وبلاگ مجله اقتصاد **

یک سال و یک ماه از شروع طرح هدفمندی یارانه‌ها می‌گذرد. طرح اولیه این بود که درآمد حاصل از افزایش سوخت و برخی اقلام یارانه‌ای صرف پرداخت مستقیم به مردم، پرداخت به تولیدکنندگان و نیز کمک به بودجه عمومی دولت شود. در عمل تمامی درآمدهای طرح به‌علاوه درآمدهایی از منابع دیگر صرف پرداخت به مردم شد. مبلغ پرداختی بالغ بر حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان بود که در حدود یک چهارم بودجه سال ۱۳۹۰ است.